علی باقری دولت‌آبادی / محسن شفیعی

از هاشمی تا روحانی

کتاب گفت‌وگو

بر... سیاست خارجی ایران

در پرتو نظریه سازه‌انگاری

www.ketab.ir

انتشارات تیسا

خدایا جهان‌پادشاهی تو راست
ز ما خدمت آید خدایی تو راست

www.ketab.ir

سرشناسه : باقری دولت‌آبادی، علی، ۱۳۵۸- .
عنوان و نام پدیدآور : از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران [در] منظر [و] آزمایشگاری/ علی باقری دولت‌آبادی، محسن شفیعی سیف‌آبادی.
مشخصات نشر : تهران: تیسا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۳۸۴ ص. جدول؛ ۱۴/۵×۲۱.
فروست : کتاب گفت‌وگو؛ ۲.
شابک : ۲۱۰۰۰۰ ریال؛ 978-600-7212-42-4
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : ایران ـ روابط خارجی ـ ۱۳۶۸- .
موضوع : روابط بین‌المللی ـ جنبه‌های سیاسی
موضوع : ایران ـ سیاست و حکومت ـ ۱۳۶۸-۱۳۹۲.
شناسه افزوده : شفیعی، محسن، ۱۳۶۵- .
رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۴آلف۲ب/ ۱۶۵۰ DSR
رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۳۹۶۶۶

از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظ[illegible]ساز[illegible]ری
نویسندگان: علی باقری‌دولت‌آبادی، محسن شفیعی سی[illegible]
مدیر تولید: سمیه سیاه‌پشت
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۳
شمارهٔ نشر: ۱۱۸
ویراستار: مریم باهور
نمونه‌خوان: فرشته نوبختی
صفحه‌آرا: سپیده امری
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: پردیس دانش
ناظر فنی چاپ: علی کاتب
تعداد: ۱۲۰۰ نسخه
قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان
شابک: ۴-۴۲-۷۲۱۲-۶۰۰-۹۷۸
همهٔ حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرارداد محفوظ است.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.
استفاده از مطالب با ذکر منبع بدون اشکال است.

انتشارات تیسا
تهران، بهارستان، خلهیرالاسلام، کوچه دیلمان، پلاک ۶، واحد ۳. تلفن: ۳۳۹۹۲۴۷۰، ۳۳۹۹۴۴۲۳
www.teesa.ir iteesa@mail.com

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه ۹

فصل یکم: سپهر نظری سازه‌انگاری به‌مثابه یک روش ۲۱
۱. پیشینهٔ تحقیق ۲۲
۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر تئوری‌های روابط بین‌المللی ۲۶
۲-۱. رویکرد آرمان‌گرایی ۲۷
۲-۲. رویکرد صلح دمکراتیک ۲۹
۲-۳. رویکرد لیبرالیسم اقتصادی ۳۳
۲-۴. رویکرد واقع‌گرایی ۳۵
۲-۵. رویکرد ژئوپلیتیک ۳۸
۲-۶. رویکرد نوواقع‌گرایی ۴۰
۲-۷. رویکرد گفتمانی ۴۴
۳. رویکرد سازه‌انگاری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ۴۹
۳-۱. بررسی مبانی نظری سازه‌انگاری ۵۰
۳-۲. بررسی مبانی فرانظری سازه‌انگاری ۵۶
۴. سازه‌انگاری و سیاست خارجی ۶۸
۵. نتیجه‌گیری ۷۸

فصل دوم: سیاست خارجی دورهٔ اکبر هاشمی‌رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) ۸۳
۱. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران هاشمی‌رفسنجانی ۸۴

www.ketab.ir

۲. ساختارهای معنایی شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی ۸۵
۲-۱. عوامل داخلی ۸۵
۲-۲. عوامل خارجی ۱۰۳
۳. ساختارهای مادی تشکیل‌دهندهٔ سیاست خارجی ۱۱۲
۳-۱. عوامل داخلی ۱۱۲
۳-۲. عوامل خارجی ۱۱۸
۴. اصول سیاست خارجی در دوران سازندگی ۱۲۴
۴-۱. نوسازی و توسعهٔ اقتصادی ۱۲۵
۴-۲. تنظیم منافع و اهداف ملی بر اهداف فراملی ۱۲۷
۴-۳. حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ۱۳۱
۴-۴. تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط ۱۳۲
۴-۵. روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیهٔ اروپایی ۱۴۲
۴-۶. روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحدهٔ امریکا ۱۴۶
۵. عضویت و مشارکت فعال ایران در سازمان‌های بین‌المللی بر اساس اتخاذ استراتژی چندجانبه‌گرایی ۱۴۸
۵-۱. روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان کنفرانس اسلامی ۱۵۰
۵-۲. روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان اکو ۱۵۰
۵-۳. روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمان ملل متحد ۱۵۱
۵-۴. روابط جمهوری اسلامی ایران با جنبش عدم‌تعهد ۱۵۲
۶. نتیجه‌گیری ۱۵۳

فصل سوم: سیاست خارجی دورهٔ سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) ۱۵۷
۱. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دورهٔ سید محمد خاتمی ۱۵۸
۲. ساختارهای معنایی شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی ۱۵۸
۲-۱. عوامل داخلی ۱۵۸
۲-۲. عوامل خارجی ۱۶۹
۲-۳. عوامل داخلی ۱۷۶
۲-۴. عوامل خارجی ۱۸۸
۳. اصول و اهداف سیاست خارجی در دورهٔ سید محمد خاتمی ۱۹۴

www.ketab.ir

۱-۳. توسعه‌گرایی سیاسی ـ فرهنگی ۱۹۵
۲-۳. تنش‌زدایی ۲۰۱
۳-۳. روابط ایران با شورای همکاری خلیج‌فارس ۲۱۰
۴. رابطهٔ ایران و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ۲۱۹
۵. نتیجه‌گیری ۲۲۲

فصل چهارم: سیاست خارجی دورهٔ محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸٤) ۲۲۵
۱. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران محمود احمدی‌نژاد ۲۲۶
۲. ساختارهای مهم شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی ۲۲۷
۱-۲. عوامل داخلی ۲۲۷
۲-۲. عوامل خارجی ۲۳۸
۳. ساختارهای مهم شکل‌دهنده سیاست خارجی ۲۴۵
۱-۳. عوامل داخلی ۲۴۵
۲-۳. عوامل خارجی ۲۵۴
۴. اصول و ویژگی‌های سیاست خارجی دولت نهم و دهم ۲۵۸
۱-۴. عدالت‌محوری ۲۶۰
۲-۴. اصول‌گرایی ۲۶۳
۳-۴. صلح‌طلبی حداکثری ۲۶۷
۵. الگوهای رفتاری دولت نهم و دهم ۲۶۹
۱-۵. گفتمان تک‌بُعدی در سیاست خارجی ۲۷۰
۲-۵. بازتعریف روابط با غرب ۲۷۰
۳-۵. کنارگذاشتن تشریفات ۲۷۱
۴-۵. سیاست نگاه به شرق ۲۷۲
۵-۵. گسترش روابط با کشورهای امریکای لاتین ۲۷۶
۶. گفت‌وگوهای انتقادی با امریکا ۲۷۸
۷. روابط با شورای همکاری خلیج‌فارس ۲۸۰
۱-۷. بُعد سیاسی ۲۸۱
۲-۷. بُعد اقتصادی ۲۸۴
۸. تغییر و اصلاح سازمان‌های بین‌المللی ۲۸۵

www.ketab.ir

۹. بحران هسته‌ای در دولت نهم ۲۸۶
۱۰. نتیجه‌گیری ۳۰۰

فصل پنجم: سیاست خارجی دوره حسن روحانی (۱۳۹۶-۱۳۹۲) ۳۰۵
۱. عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران حسن روحانی ۳۰۷
۲. اختارهای معنایی شکل‌دهنده سیاست خارجی ۳۰۷
۲-۱. تفسیر قانون اساسی ۳۰۸
۲-۲. تفسیر از اسلام ۳۱۳
۲-۳. واقع‌گرایی به جای آرمان‌گرایی ۳۱۶
۲-۴. گفت‌وگو و بیان آزاد ۳۱۷
۳. عوامل ... رجی ۳۱۹
۳-۱. تجربه‌های پیشین و اخلاق‌مداری ۳۱۹
۳-۲. ضرورت جست‌وجوی منافع ملی ۳۲۰
۳-۳. مواضع مساعد و اعتماد دولت‌های خارجی ۳۲۱
۴. ساختارهای مادی شکل‌دهنده سیاست خارجی ۳۲۵
۴-۱. عوامل داخلی ۳۲۵
۴-۲ عوامل خارجی ۳۳۷
۵. اصول و ویژگی‌های سیاست خارجی دولت یازدهم ۳۴۴
۶. نتیجه‌گیری ۳۵۴

نتیجه‌گیری ۳۵۹
کتابنامه ۳۶۹

www.ketab.ir

مقدمه

سیاست خارجی[1] عبارت است از استراتژی یا رشته‌ای از اعمال از پیش طرح‌ریزی‌شدهٔ تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معیّن، در چهارچوب منافع ملی، در محیط بین‌المللی است. به عبارتی، می‌توان گفت که سیاست خارجی مجموعه شامل تعیین و اجرای سلسله‌ای از اهداف و منافع ملی است، در صحنهٔ بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. همان‌گونه که از این تعریف برمی‌آید، سیاست خارجی ابزاری برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها یا تأمین نیازهای کشور در محیط بین‌المللی است؛ ولی سیاست خارجی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه عوامل و متغیرهای بی‌شماری در شکل‌گیری آن دخیل هستند به‌گونه‌ای که سیاست خارجی متغیری وابسته تحت‌تأثیر متغیرهای مستقل داخلی است. این متغیرها و منابع را می‌توان به دو دستهٔ مادی و غیرمادی یا ... تقسیم کرد.

در عرصهٔ داخلی متغیرها یا منابع مادی شامل شکل، اندازه و وضعیت سرزمین، جمعیت، موقعیت جغرافیایی، منابع معدنی و کشاورزی، میزان

---

1. Foreign Policy

www.ketab.ir

صنعتی‌شدن، وضعیت آب‌وهوایی، نظام اقتصادی، رویه‌های سازمانی، ساختار و شکل حکومت، الگوهای توسعه، گروه‌ها و طبقات اجتماعی و منابع انرژی می‌شود. متغیرها و منابع غیرمادی نیز شامل ویژگی‌ها و ارزش‌های ملی، فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی و مذهب، زبان، باورها، شامل آداب و رسوم، سنت‌ها، مذهب و دین، زبان، باورها، ویژگی‌ها و روحیات، تصورات و ایستارهای مشترک، جهان‌بینی و ایدئولوژی، نظام معانی، حرفه‌ها و مهارت‌ها، روش اندیشیدن، نهادها، ارزش‌ها و هنجارها، قانون، الگوهای رفتاری و ویژگی‌های اخلاقی، دستاوردهای فکری و هنری، متغیرهای تاریخی، متغیرهای اجتماعی، ترکیب جمعیتی، کیفیت رهبری، روحیه و کیفیت نیروهای نظامی و غیره می‌شود.

هریک از این منابع و متغیرها در عرصهٔ ملی در تعیین هستی‌شناسی، جهان‌بینی و نوع نگاه و برداشت مردم و در پی آن سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان آن و همچنین در تعیین اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی و تعامل یا تقابل با دیگر تعیین دوست و دشمن نقش و تأثیر قاطعی دارند؛ بنابراین، سیاست خارجی کشورها برآیند تعامل این متغیرهای مادی و غیرمادی داخلی است؛ اما تنها متغیرهای داخلی و ملی نیستند که سیاست خارجی کشور را تعیین می‌کنند، بلکه در کنار آنها، متغیرها و منابع بین‌المللی نیز نقش دارند. ماهیت نظام بین‌الملل، بستگی به اینکه سیاستمداران و تصمیم‌سازان کشورها به آن چه نگرشی داشته باشند، نقش مهمی در شکل‌گیری و ثبات و تغییر سیاست خارجی کشورها دارد؛ اینکه همانند واقع‌گرایان آن را آنارشیک، ناامن و خودیار بدانند یا اینکه همچون برالیست‌ها آن را در وابستگی متقابل و همکاری و جهانی‌شدن و چندجانبه‌گرایی بدانند یا همچون سازه‌انگاران آن را دارای ماهیت گفتمانی بدانند. نظام بین‌الملل نیز همانند عرصهٔ داخلی دارای دو دسته منابع و متغیرهای تأثیرگذار مادی و

www.ketab.ir

غیرمادی است. متغیرهای مادی آن به ساختار نظام و ساختار نهادی تقسیم می‌شوند. ساختار نظام بین‌الملل بسته به اینکه تک‌قطبی، هژمونیک، دوقطبی و چندقطبی باشد، الگوهای مختلف سیاست خارجی را برای کشورها تجویز یا تحمیل می‌کند. همچنین، ساختارهای منطقه‌ای نیز محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را برای سیاست خارجی کشورها به وجود می‌آورند.

منابع و ساختارهای نهادی که برحسب نهادینگی یا الگوهای تعامل و کنش و واکنش و تعدد و تکثر نهادهای بین‌المللی تعریف می‌شوند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹)، محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را برای سیاست خارجی کشورها در نظام بین‌الملل به وجود می‌آورند. نهادهای بین‌المللی عبارتند از مجموعه‌ای از قواعد رسمی و غیررسمی به‌هم‌پیوسته و مرتبط که رفتارهای مناسب را ایجاب می‌کنند و کنش، فعالیت و اقدام و رفتار را مقید و محدود می‌سازند و به انتظارات کشورها شکل می‌بخشند (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). برخی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی عبارتند از سازمان ملل‌متحد، سازمان تجارت جهانی، نهادهای حقوق بشری و رژیم‌های امنیتی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای وغیره. ساختارها و منابع غیرمادی نظام بین‌الملل نیز شامل هنجارها، ایده‌ها، انگاره‌ها، اعتقادها و هنجارهای مشترک است که به صورت قواعد و اصول حاکم بر روابط بین‌الملل نهادینه می‌یابند و بر شکل‌گیری و ثبات و تغییر و تحول سیاست خارجی کشورها اثر می‌گذارند و آن را با محدودیت‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو می‌سازند. ایده‌ها و هنجارها عبارتند از حقوق بین‌الملل عمومی، قوانین و قواعد سازمان‌های بین‌المللی، تصمیم‌های کنفرانس‌ها و رژیم‌های بین‌المللی. می‌توان نتیجه گرفت که شکل‌گیری و ثبات و تغییر و تحول سیاست خارجی وابسته به منابع و متغیرهای مادی و غیرمادی در عرصهٔ داخلی و عرصهٔ بین‌المللی و

www.ketab.ir

حاصل تعامل و کنش و واکنش میان این متغیرها و منابع است؛ بنابراین، سیاست خارجی کشور و اهداف و منافع آن را تنها منابع مادی (آن‌گونه که واقع‌گرایان می‌گویند) تعیین نمی‌کند؛ بلکه متغیرها و منابع غیرمادی حداقل به همان میزان، در شکل‌گیری اهداف و منافع کشورها سهیم هستند.

سیاست خارجی نوعی پویش رفتار خارجی دولت‌هاست که بر اثر تعامل میان متغیرهای داخلی و بین‌المللی آنان به وجود می‌آید. بر این اساس، سیاست خارجی هر کشور متأثر از ساختارهای معنوی و مادی درون‌ملی و روابط و مقتضیات نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. این مسئله، اگرچه امر موضوعی بدیهی به نظر می‌رسد، ولی در بررسی‌های نظری در حوزهٔ سیاست خارجی تنها پس از گذار از رویکردهای پوزیتیویستی و خردگرا و ورود به نظریه‌های شناختی، بین‌الاذهانی[1]، تفسیری و معرفتی مطرح شده است. در واقع، در حوزهٔ نظریه‌پردازی در سیاست خارجی، تلاش‌های بسیاری برای منظم ساختن پدیدارهای ملی و بین‌المللی و توصیف و تبیین علت[2] و معلول و احتمالی این پدیده‌ها با توجه به مفاهیمی مانند قدرت، منافع، ساختار و کارگزار، از گذشته در قالب نظریه‌های واقع‌گرا و یا آرمان‌گرا وجود داشته است. پس از تحولات روش‌شناختی[4] در روابط بین‌الملل و ظهور نظریه‌های تحلیل سیاست خارجی و تقویت نگرش‌های شناختی، هرمنوتیک و معرفت‌شناسی و پس از آن، ظهور نظریه‌های پست‌مدرن، انتقادی، سازه‌انگاری[5]، جامعه‌شناسی تاریخی و گفتمانی، اهمیت عوامل اجتماعی و فرهنگی در تکوین سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفته است. درواقع، مطالعهٔ سیاست خارجی تحت تأثیر

1. Inter Action
2. Cause
3. Reason
4. Methodological
5. Constructivism

www.ketab.ir

رویکرد واقع‌گرایی[1] قرار دارد که در آن، بیشتر به زوایای امنیتی، سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی توجه شده است. همچنین، به ابعاد فرهنگی و هنجاری الگوهای رفتاری بازیگران توجهی نشده است. در این رویکرد، دولت به‌مثابه یک «جعبهٔ سیاه» یا «توپ بیلیارد»، واحد بسیطی تلقی شده و فرهنگ تنها یکی از عناصر قدرت ملی و از عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری داخلی و خارجی آن محسوب شده است. چنانچه مورگنتا[2] در کتاب *سیاست ملت‌ها* که از منابع بنیادین شناخت علمی روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، در بررسی قدرت ملی و عناصر آن، با برشماری برخی عناصر قدرت ملی مانند منش ملی، روحیهٔ ملی، ایدئولوژی و کیفیت جامعه و حکومت وغیره، تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر قدرت ملی تأکید می‌کند. درواقع، مورگنتا از منظر روان‌شناختی الگوی فرهنگی ویژگی‌های فکری و شخصیتی ملت را بررسی می‌کند و آن را عامل مؤثری در قدرت ملی می‌داند (موسوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

با ورود روابط بین‌الملل به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، دو تحول عمدهٔ روشی و ماهوی، یعنی مطالعات رفتارگرایی و سپس فرارفتارگرایی و ظهور رویکردهای تحلیل سیاست خارجی، سبب نقاط عطف روش‌شناسی و روش‌شناسی واقع‌گرایی و توجه به عوامل مادی و غیرمادی در سیاست خارجی شد. بر این اساس، در نظریه‌های فرایند تصمیم‌گیری، سیاست خارجی و مقایسه‌ای و به‌ویژه نظریه‌های محیط روان‌شناختی سیاست خارجی، بر عناصر غیرمادی و فرهنگی در مطالعات سیاست خارجی تأکید شد. در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی نیز با تأکید بر قدرت نرم و عناصر برساختهٔ ذهنی و رواج مکاتب انتقادی، پست‌مدرن و سازه‌انگار، توجه به عناصر غیرمادی، هنجاری

1. Realism
2. Hans Morgenthau

www.ketab.ir

و ارزشی به محور کانونی مطالعات سیاست خارجی تبدیل شد. با پایان جنگ سرد نیز تغییر بنیادینی در نیروهای تعیین‌کنندهٔ سیاست جهانی به وجود آمد و این مسئله، سبب افزایش سرعت جریان انقلاب فنّاوری ارتباطات شد که پیش از آن آغاز شده بود؛ بنابراین، الگوهای درحال‌تغییر سیاست جهانی و ملی در پرتو ابعاد مختلف جهانی‌شدن به‌ویژه، جهان منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن فرهنگی و گسترش سرمایه‌داری جهانی، ضرورت درک پدیده‌های فرهنگ‌محور را کاملاً آشکار ساخت و بر لزوم تغییر رویکردهای غالب مدرن تأکید کرد؛ رویکردهایی که بیشتر با نگرشی قوم‌مدارانه و بدون لحاظ شاخص‌های متفاوت فرهنگی کشورها، سعی در تبیین عام پدیده‌ها در روابط بین‌الملل داشتند. به همین دلیل، در دوران بعد از جنگ سرد، گرایش سوی الگوهای فرهنگ‌محور گسترش یافت و به جای یکسان‌انگاری و قوم‌مداری فرهنگی، تأثیر عناصر فرهنگی مناطق و کشورهای مختلف در سیاست‌گذاری خارجی مورد توجه قرار گرفت و تبیین‌های میان‌بُرد و رهیافت‌های تک‌سیرمحور در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل جایگزین تبیین‌های کلان‌نگر شد (موسوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

در این میان، یکی از نظریه‌هایی که به‌طور خاص اهمیت ساختارهای غیرمادی و نقش هویت در ایجاد منافع ملی و سیاست خارجی کشورها را بررسی می‌کند، «نظریهٔ سازه‌انگاری» است. این نظریه با مفروض‌های خردگرایانه، نوواقع‌گرایی[1] و نئولیبرالیسم، بر اهمیت برساختگی ذهنیت، هویت، منافع بازیگران و کنش و ساخت دوگانه و متقابل کارگزار و ساختار تأکید می‌کند (موسوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۲). این رویکرد، برای رفع کاستی‌های نظری جریان خردگرایانهٔ حاکم مخصوصاً واقع‌گرایی، از ابتدای دههٔ ۱۹۹۰

1. Neo-Realism

www.ketab.ir

مطرح شد. سازه‌انگاری در حیطهٔ سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی الگویی جوان محسوب می‌شود که در پی ناکامی تئوری‌های خردگرای حاکم بر روابط بین‌الملل که تنها بر منافع مادی و قدرت تأکید داشتند، برای تحلیل سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی مطرح شد. اندیشمندان حوزهٔ روابط بین‌الملل در پی رهیافت‌های جایگزین برای توضیح سیاست بین‌الملل و به‌ویژه سیاست خارجی رفتند و در پی این موقعیت بودند که به گزاره‌های سازه‌انگاری در تحلیل سیاست خارجی کشورها توجه شود. مهم‌ترین گزاره‌های این رویکرد، عبارتند از اهمیت ساختارهای هنجاری و فکری افزون بر ساختارهای مادی، توجه به نقش هویت و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها و توجه به عوامل داخلی و بین‌المللی و توجه به میزان تحلیل خرد و کلان وغیره. توجه به اینکه در تحلیل‌ها و تبیین‌های صورت‌گرفته دربارهٔ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیشتر از مبانی نظری جریان خردگرا استفاده شده است، این پژوهش تلاش می‌شود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از گزاره‌های رویکرد سازه‌انگاری تجزیه‌وتحلیل شود و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که «چه عواملی در تدوین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مؤثر است؟ و آیا امکان استفاده از رویکرد سازه‌انگاری برای تحلیل و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دورهٔ *هاشمی‌رفسنجانی* تا روحانی وجود دارد؟»

در راستای پاسخ به این پرسش و ساماندهی ساختار اثر حاضر، پنج فصل مجزا تدوین و به شرح زیر تکمیل یافته است؛ این پنج فصل عبارتند از:

فصل یکم با عنوان «سپهر نظری، سازه‌انگاری به‌مثابه یک روش»، پس از توضیح و توصیف سابقهٔ پژوهش، ابتدا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر برخی تئوری‌های روابط بین‌الملل بررسی می‌شود. در گام بعد،

www.ketab.ir

مهم‌ترین گزاره‌های مباحث نظری و فرانظری این روش بررسی می‌شود؛

در فصل دوم، با طرح سیاست خارجی دورهٔ اکبر هاشمی‌رفسنجانی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، تلاش می‌شود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری تجزیه‌وتحلیل شود. بدین‌منظور، در ادامه، عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این مقطع، اصول، اهداف و ساختارهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی خواهد شد و نمودهای سیاست خارجی ایران در قالب روابط جمهوری اسلامی با دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این مقطع، توضیح داده خواهد شد؛

در فصل سوم، با عنوان سیاست خارجی *سید محمد خاتمی* (۱۳۸۴-۱۳۷۶)، ضمن بررسی ساختارهای مادی و معنایی شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی، تأثیر این ساختارها بر اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این مقطع تشریح خواهد شد. در ادامه نیز رابطهٔ جمهوری اسلامی ایران با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تشریح و درنهایت، موضوع پروندهٔ هسته‌ای بررسی خواهد شد؛

در فصل چهارم، سیاست خارجی دورهٔ *محمود احمدی‌نژاد* (۱۳۹۲-۱۳۸۴) بحث و بررسی خواهد شد. در ابتدای این فصل نیز ضمن بررسی ساختارهای مادی و معنایی شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی، به تشریح تأثیر این ساختارها بر اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این مقطع می‌پردازیم. در ادامه نیز جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بررسی خواهد شد و با استفاده از گزاره‌های نظری سازه‌انگاری، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این مقطع تحلیل می‌شود؛

درنهایت، فصل پنجم که با عنوان «سیاست خارجی دورهٔ حسن

www.ketab.ir

روحانی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)» نام‌گذاری شده است، به علت نبود منابع کتابخانه‌ای، از سایت‌ها و روزنامه‌های معتبر برای پردازش فرضیهٔ کتاب استفاده شده است. بااین‌حال، در این فصل نیز در چهارچوب نظریهٔ سازه‌انگاری، در ابتدا ساختارهای مادی و معنایی شکل‌دهندهٔ سیاست [illegible] تشریح می‌شود و در ادامه، تأثیر این ساختارها بر اصول سیاست [illegible] جمهوری اسلامی ایران در این مقطع بررسی خواهد شد.

www.ketab.ir

پیشگفتار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ریشه در فرهنگ، حافظهٔ تاریخی و تفسیر دین و تعالیم دینی دارد. ازاین‌رو، ضرورتاً سیاست خارجی آن نیز در هر دوره‌ای، از ابعاد و شاخص‌های متعدد تاریخی، فرهنگی، دینی برخوردار است که لاجرم باید درک شوند. نیز در تبیین سیاست خارجی در نظر گرفته شوند. این ضرورت، زمانی بیشتر می‌شود که بخواهیم افزون بر تأثیرات این ابعاد و شاخص‌ها بر سیاست خارجی، اثر ماندگار ناشی از ظهور انقلاب اسلامی، آرمان‌ها و تجربه‌های خاص سیاسی و نیز پیامدهای ژرف آن بر سیاست ایران، منطقه و جهان را نیز درک کنیم. افزون بر این، تأثیرات متقابل متغیرهای جهانی و منطقه‌ای بر سیاست خارجی ایران نیز شایان تأمل است؛ چراکه تحولات منطقه و جهان نیز بر سیاست خارجی ایران تأثیرگذار است. درواقع، فرازونشیب‌ها و تجربه‌ها، به‌ویژه در سه دههٔ گذشتهٔ سیاست خارجی ایران، آن‌قدر گسترده، متفاوت و معنی‌دار است که تجزیه‌وتحلیل علمی و تأملات نظری دربارهٔ آن را ضروری می‌نماید؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های اسلامی، انقلابی و ایرانی تشکیل شده است و در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و قوانین مندرج

www.ketab.ir

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقش ارزش‌ها و هنجارها بسیار برجسته است و این هنجارها هستند که هویت جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهند. به عبارتی می‌توان گفت رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را هویت برساخته از ارزش‌ها و هنجارها هدایت می‌کند و اصولی مانند حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، صدور انقلاب، اصل نه شرقی نه غربی، حفظ دارالاسلام و مواردی از این قبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. بااین‌حال، نظریات مختلفی که تاکنون برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است، عمدتا این عامل را نادیده گرفته‌اند و به عنصر هویت توجه چندانی نداشته‌اند؛ اما در این کتاب تلاش شده است تا با رویکردی متفاوت و با استفاده از مبانی و گزاره‌های سازه‌انگاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تجزیه‌وتحلیل شود.

www.ketab.ir